



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نگاهی به سیمای

امام صادق علیه السلام

سید جعفر شهیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به سیمای امام صادق (ع)

نویسنده:

سید جعفر شهیدی

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | نگاهی به سیمای امام صادق (ع) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | نگاهی به سیمای امام صادق (ع) |
| ۱۰ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

نگاهی به سیمای امام صادق (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: سید جعفر شهیدی

تلخیص: محمد باقر پورامینی

ناشر: ماهنامه کوثر، شماره ۳۴

نگاهی به سیمای امام صادق (ع)

ششمین امام شیعیان، و پنجمین امام از نسل امیرالمومنین (ع) کنیه او ابو عبدالله و لقب مشهورش «صادق است». لقبهای دیگر نیز دارد، از آن جمله صابر، طاهر و فاضل، اما چون فقیهان و محدثان معاصر او که شیعه وی هم نبوده‌اند، حضرتش را به درستی حدیث و راستگویی در نقل روایات بدین لقب ستوده‌اند، لقب «صادق شهرت یافته است و گر نه امامی را که منصوب از طرف خدا و منصوص از جانب امامان پیش از اوست، راستگو گفتن، آفتاب را به «روشن وصف کردن است. ابن حجر عسقلانی نویسد: ابن حبان گوید: در فقه و علم و فضیلت از سادات اهل بیت بود. ولادت او ماه ربیع‌الاول سال هشتاد و سوم از هجرت رسول خدا (ص)، و در هفدهم آن ماه بوده است. ولی بعض مورخان و تذکره نویسان ولادت حضرتش را در سال هشتادم از هجرت نوشته‌اند و در ماه شوال سال صد و چهل و هشت هجری به دیدار پروردگار شتافت. مدت زندگانی او شصت و پنج سال بوده است. ابن قتیبه نویسد: جعفر بن محمد، کنیه او ابو عبدالله است و جعفریه بدو منسوب‌اند؛ به سال یکصد و چهل و شش در مدینه درگذشت. از آغاز ولادت تا هنگام رحلت این امام بزرگوار، ده تن از امویان به نامهای: عبدالملک پسر مروان، ولید پسر عبدالملک (ولید اول)، سلیمان پسر عبدالملک، عمر پسر عبدالعزیز، یزید پسر عبدالملک، (یزید دوم)، هشام پسر عبدالملک، ولید پسر یزید (ولید دوم)، یزید پسر ولید (یزید سوم)، ابراهیم پسر ولید و مروان پسر محمد، و دو تن از عباسیان ابوالعباس، عبدالله پسر محمد معروف به سفاح و ابوجعفر پسر محمد معروف به منصور بر حوزه اسلامی حکومت داشته‌اند. آغاز امامت امام صادق (ع) با حکومت هشام پسر عبدالملک و پایان آن، با دوازدهمین سال از حکومت ابوجعفر منصور (المنصور بالله) مشهور به دوانیقی مصادف بوده است. مدفن آن امام بزرگوار قبرستان بقیع است، آنجا که پدر و جد او به خاک سپرده شده‌اند. نام مادر او، فاطمه یا قریبه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است و ام فروه کنیت داشته است. مادر ام فروه، اسماء دختر عبدالرحمان ابن ابی بکر است. امام صادق (ع) درباره مادرش فرموده است: مادرم مومن، متقی و نیکوکار بود و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. کلینی به اسناد خود از عبدالاعلی آورده است: ام فروه را دیدم ناشناس گرد کعبه طواف می‌کرد و حجرالاسود را به دست چپ سود. مردی از طواف کنندگان بدو گفت: در سنت خطا کردی. ام فروه پاسخ داد: ما از دانش تو بی‌نیازیم. و از این پاسخ می‌توان آشنایی او را به مسائل فقهی دریافت. چنان که مشهور است فرزندان آن حضرت ده تن بوده‌اند، هفت پسر به نامهای اسماعیل، عبدالله، موسی، اسحاق، محمد، عباس و علی و سه دختر به نامهای ام فروه، اسماء و فاطمه. اسماعیل پسر بزرگتر آن امام است و پدر، وی را دوست می‌داشت. گمان بعضی از شیعیان بود که اسماعیل بعد از پدرش به امامت خواهد رسید. اما او در روزگار زندگانی پدر درگذشت و امام وی را در گورستان بقیع به خاک سپرد و بر مردن او سخت گریان شد. پیش از به خاک سپردن، روی او را گشود تا مردم ببینند اسماعیل مرده است، ولی پس از مرگ اسماعیل گروهی مردن او را باور نکردند و پس از امام صادق او را امام دانستند. اسماعیلیان یا هفت امامیان که صدها سال بعد به دو فرقه نزاریه و مستعلویه تقسیم شدند، بدین اسماعیل منسوب‌اند. هفت امامیان هم اکنون در کشورهای ایران، پاکستان و هندوستان به سر می‌برند. امام صادق (ع) سی و یک سال و به روایتی سی و چهار سال در کنار پدرش امام باقر (ع) بوده

است. در سفری که امام باقر، به خواست هشام پسر عبدالملک به شام رفت، همراه او بود. از او روایت شده است: چون به دمشق رسیدیم، هشام سه روز ما را نپذیرفت و روز چهارم اجازه دیدار داد. چون به مجلس او درآمدیم بر تخت نشسته بود و فرماندهان سپاه وی در دو صف ایستاده بودند. بزرگان خاندان او نیز حضور داشتند. پس پدرم را تکلیف تیراندازی کرد، او عذر خواست و سرانجام با اصرار هشام پذیرفت و نه تیر پی همدیگر افکند و هر تیر بر تیر نخستین خورد. هشام را خوش نیامد و مدتی ما را ایستاده نگاه داشت. پدرم خشمگین گشت و هشام چون خشم او را دید، وی را بر سر تخت برد و دست در گردن او افکند و بر دست راست خود نشانید. پس دست در گردن من درآورد و مرا بر دست راست پدرم جای داد. چنان که اشارت شد، امام صادق (ع) گذشته از منزلتی که نزد شیعیان دارد، در دیده عامه مسلمانان نیز دارای مقامی والا است. بزرگان اهل سنت و جماعت از روزگار وی تا امروز، او را به کرامت خلق، دانش فراوان، بخشش بسیار و عبادت طولانی ستوده‌اند صدوق به اسناد خود از فقیه مدینه، مالک پسر انس روایت کند: بر جعفر بن محمد (ع) در می‌آمدم، برای من بالش می‌نهاد و مرا حرمت می‌داشت و می‌گفت: مالک! تو را دوست می‌دارم. و من از گفته او خشنود می‌شدم و خدا را سپاس می‌گفتم. او همیشه در یکی از سه حالت بود: روزه‌دار، برپا ایستاده به نماز، ذکر گوینده. او از بزرگان، عابدان و زاهدانی بود که از خدا می‌ترسند. بسیار حدیث، خوش محضر و بسیار فائدت بود. سالی با او به حج رفتم، چون هنگام گفتن لیبک رسید، سخن در گلوی او برید و نزدیک بود از شتر بیفتد، گفتم: پسر رسول خدا! می‌بایست لیبک بگویی! گفت: پسر ای عامر! چگونه جرات کنم و بگویم: لیبک، اللهم لیبک، در حالی که می‌ترسم خدایم بگوید نه لیبک و نه سعیدیک؟! علی بن عیسی اربلی مولف کشف الغمه از محمد بن طلحه درباره او آورده است: شنیدن سخنانش موجب زهد دنیا می‌شد و اقتدای به او بهشت را در پی داشت. نور چهره‌اش گواهی می‌داد از سلاله نبوت است و پاکی کردارش آشکار می‌ساخت از ذریه رسالت است. بزرگانی چون یحیی بن سعید انصاری، ابن جریح، مالک بن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سختیانی از علم او بهره گرفتند، و آن بهره‌گیری را برای خود مباحث شمردند و بدان شرف یافتند و فضیلت کسب کردند. او از بزرگان اهل بیت و سادات آنان بود. علمی فراوان و عبادتی بسیار و اورادی پیوسته و زهدی آشکار داشت و بسیار تلاوت بود. معانی قرآن کریم را تتبع می‌کرد و گوهرهای آن را بیرون می‌آورد و از عجایب آن بهره می‌گرفت. اوقات خود را بر انواع طاعتها قسمت کرده بود که در آن حساب نفس خویش می‌نمود. دیدن او آخرت را به یاد می‌آورد. ابن شهر آشوب از مالک بن انس روایت کند: از جعفر بن محمد در فضل و علم و پارسایی برتر ندیدم. یا روزه بود، یا نماز می‌خواند، یا ذکر می‌گفت. از بزرگان و اکابر و زاهدان بود و از آنان که از پروردگار می‌ترسند. بسیار حدیث، نیکو محضر و پر فایده بود. چون قال رسول الله می‌گفت رنگش دگرگون می‌گشت. ابو نعیم اصفهانی درباره او نوشته است: امام ناطق، زمامدار سابق، ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق بر عبادت و خضوع روی آورد و عزلت و خشوع را برگزید و از مهتری و ریاست دوری جست. شهرستانی در ملل و نحل می‌نویسد: جعفر بن محمد الصادق دارای علمی بسیار و ادبی کامل بود. زهد و پارسایی داشت. نه گرد مهتری گردید و نه بر سر خلافت با کسی به جنگ برخاست. آنکه در دریای معرفت شنا کند در شط نمی‌افتد و آنکه به اوج حقیقت رسد از فرود آمدن نمی‌ترسد. ابن خلکان درباره حضرتش نوشته است: از سادات اهل بیت بود و به خاطر راستی در گفتار به صادق ملقب گشت. فضل او مشهورتر از آن است که گفته‌اند. و عطار از عارفان بزرگ سده هفتم درباره حضرتش چنین نوشته است: آن سلطان مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیا، آن جگر گوشه انبیاء، آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، جعفر الصادق رضی الله عنه، گفته بودیم که اگر ذکر انبیا و صحابه و اهل بیت کنیم کتابی جداگانه باید ساخت. این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده‌اند اما به سبب تبرک به صادق ابتدا کنیم. و چون از اهل بیت بیشتر سخن طریقت، او گفته است و روایت از او پیش آمد، کلمه‌ای چند از آن حضرت بیاورم که ایشان همه یکی‌اند. چون ذکر او کردن، ذکر همه بود. نبینی که قوم مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند. یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی. اگر تنها صفت او گویم به زبان، عبارت من

راست نیاید که در جمله علوم و اشارت و عبادات بی تکلف به کمال بود. و همه الهیان را شیخ بود، و همه محمدیان را امام بود. هم اهل ذوق را پیشرو بود و هم اهل عشق را پیشوا. هم عباد را مقدم بود و هم زهاد را مکرم. هم در تصنیف اسرار حقایق خطیر بود، هم در لطافت اسرار تنزیل و تفسیر بی نظیر. عمرو بن ابی مقدم گفته است: هر گاه جعفر بن محمد را می دیدم می دانستم او سلاله پیمبران است و ابو جعفر منصور او را از کسانی دانسته است که از خدا به آنان الهام می شود (محدث). و خانقانی شروانی در مناشات نوشته است: جعفر صادق عالم مطلق بود. این چند گواهی را که اندکی از بسیار است برای آن نوشتیم تا آنان که تتبعی چنان که باید در سیره معصومان ندارند و شرح زندگانی امامان شیعه را جز از گویندگان شیعی نشنیده و یا جز در ماخذهای غیر شیعی نخوانده‌اند، بدانند که قدر و منزلت این امام تنها در دیده شیعیانش بزرگ نیست، هر که علمی و بصیرتی داشته برابر او فروتن بوده و بزرگش می داشته. و زید عموی او درباره وی گفته است: در هر زمان مردی از ما اهل بیت است که خدا بدو بر خلق خود احتجاج می کند و حجت زمان ما برادر زاده‌ام جعفر است آنکه او را پیروی کند، گمراه نگردد و آنکه مخالف وی بود، هدایت نشود. در روزگار رسول خدا، هر گاه یاران آن حضرت را به حکمی فقهی نیاز می افتاد به قرآن یا حدیث رجوع می کردند و یا از شخص پیغمبر (ص) می پرسیدند و پاسخ می گرفتند و اگر بدو دسترسی نداشتند به آنان که از فقه بهره‌ای داشتند روی می آوردند، از یاران رسول (ص) آنکه می توانست حکم خدا را چنان که هست بگوید و هر مشکل فقهی را به سرانگشت علم بگشاید، علی (ع) بود. علی پیوسته با پیامبر (ص) به سر می برد و معنی قرآن و حدیث را از او فرا می گرفت و خود در این باره چنین می گوید: گاه رسول خدا را سخنی است و آن را دو گونه معنی است، گفتاری است خاص و گفتاری است عام، آن سخن را کسی شنود که نداند رسول خدا از آنچه خواهد، پس شنونده آن را توجیه کند بی آنکه معنی آن را بداند، یا مقصود او را بشناسد، یا آنکه بداند آن حدیث چرا گفته شده است و همه یاران رسول خدا چنان نبودند که از او چیزی پرسند و دانستن معنی آن را از او خواهند... و از این گونه چیزی بر من نگذشت جز آن که آن را از او پرسیدم و به خاطر سپردم. پس از رحلت رسول (ص) و دوران خلافت خلفا هر گاه در مسئله‌ای فقهی کار بر خلیفه یا صحابه رسول (ص) دشوار می شد، به علی (ع) رجوع می کردند و او مشکل آنان را می گشود. چون علی به شهادت رسید، دشمنان کار را بر فرزندان و شیعیان او تنگ کردند. و میان مردم و آنان جدایی افکندند. از سوی دیگر، دین به دنیا فروختگان نیز برای خشنودی حاکمان وقت و یا سود خود، به ساختن روایتها پرداختند، تا آنجا که شناخت حدیث درست از نادرست بر فقیهان دشوار گردید. می توان گفت از سال چهارم هجری تا نزدیک به پایان سده نخستین هجرت جز معدودی از صحابه و تابعان از فقه درست فقه آل محمد (ص) بی بهره بودند. در روزگار امام باقر اندکی گشایش پدید آمد و سالیان ۱۴۸ - ۱۱۴ (دوران امامت امام صادق (ع)) عصر انتشار فقه آل محمد یا به تعبیر دیگر، روزگار تعلیم و تدریس فقه جعفری بود. در این سالها مدینه نیز چهره دیگری یافته بود. در کتاب زندگانی علی بن الحسین (ع) نوشته‌ام قتل عام این شهر مقدس به دست سربازان مسلم پسر عقبه، در بازماندگان از کشتار حالتی شبیه به نومییدی پدید آورد، تا آنجا که سست اعتقادان برای زدودن این حالت از خویش، به خنیاگری روی آوردند و مدینه در سالهای ۸۰ - ۶۵ مرکزی برای صدور آوازخوانان شد. اما با گذشت زمان آن حالت از میان رفت و دیگر بار مردم به مسائل مذهبی روی آوردند و محدثان و فقیهان روی کار آمدند. آنکه در اخبار فقه شیعه تتبع کند خواهد دید روایتهای رسیده از امام صادق (ع) در مسائل مختلف فقهی و کلامی مجموعه‌ای گسترده و متنوع است و برای همین است که مذهب شیعه را مذهب جعفری خوانده‌اند. گشایشی که در آغاز دهه سوم سده دوم هجری پدید آمد موجب شد مردم آزادانه‌تر به امام صادق (ع) روی آورند و گشودن مشکلات فقهی و غیر فقهی را از او بخواهند. ابن حجر درباره حضرتش نوشته است: مردم از علم او چندان نقل کردند که آوازه آن به همه شهرها رسید. امامان بزرگ چون یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سختیانی از او روایت کرده‌اند. دانشمندان از هیچ یک از اهل بیت رسول خدا به مقدار آنچه از عبدالله روایت دارند نقل نکرده‌اند، و هیچ یک از آنان متعلمان و شاگردانی به اندازه شاگردان او

نداشته‌اند، و روایات هیچ یک از آنان برابر با روایت‌های رسیده از او نیست. اصحاب حدیث نام راویان از او را چهار هزار تن نوشته‌اند. نشانه آشکار امامت او خردها را حیران می‌کند و زبان مخالفان را از طعن و شبهت لال می‌سازد. ذهبی از ابوحنیفه آورده است: فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم. و چنان که نوشته شد، مالک گفته است از فضل و علم و پارسایی از او برتر ندیده است. سخن مالک بن انس که یکی از چهار پیشوای مذهبهای اهل سنت و جماعت است درباره امام صادق (ع) نوشته شد، ابوحنیفه را نیز با آن حضرت دیدار یا دیدارها بوده است. زبیر بکار نویسد: ابوحنیفه را با امام صادق ملاقاتها دست داده است. او در دادن فتوا بیشتر به رای و قیاس عمل می‌کرد و کمتر به روایت. و از عبدالله بن شبرمه که در سال ۱۲۰ هجری قضاوت کوفه داشت روایت کند: من و ابوحنیفه بر جعفر بن محمد (ع) در آمدیم. بر او سلام کردم و گفتم این مردی از عراق است و او را فقه و علمی است. جعفر گفت: گویا اوست که دین را به رای خود قیاس می‌کند. سپس رو به من کرد و گفت: او نعمان پسر ثابت است و من تا آن روز نام او را نمی‌دانستم. ابوحنیفه گفت: آری. جعفر بدو گفت: از خدا بترس و در دین قیاس مکن که نخست کس که قیاس کرد شیطان بود. خدا او را فرمود آدم را سجده کن گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای. سپس پرسید: قتل نفس مهمتر است یا زنا؟ قتل نفس! چرا قتل نفس با دو گواه ثابت می‌شود، زنا با چهار گواه؟ باقیاس چه می‌کنی؟ روزه نزد خدا بزرگتر است یا نماز؟ نماز! چرا زن چون عادت می‌بیند روزه را باید قضا کند و نماز را نه؟... بنده خدا از خدا بترس و قیاس مکن. آنچه متبّع از خواندن کتابهایی که درباره ابوحنیفه نوشته شده و در آن از امام صادق (ع) سخن به میان آمده در می‌یابد، این است که ابوحنیفه هر چند خود را فقیهی بزرگ می‌دانست، امام صادق را حرمت می‌داشته است و ظاهراً بلکه مطمئناً عبارتی را که مولف روضات الجنات از او آورده که «من دانایتر از جعفر بن محمد هستم چرا که مردانی را دیدم و از آنان حدیث شنیدم و جعفر بن محمد صحفی است سخن ابوحنیفه نیست و گفته عبدالله بن حسن پدر محمد نفس زکیه است. چنان که در روضه کافی آمده است: عبدالله بن حسن کسی را نزد ابو عبدالله (ع) فرستاد و گفت: بدو بگو ابو محمد می‌گوید من از تو شجاع‌تر، بخشنده‌تر و دانایترم. امام به پیام آورنده گفت: اما شجاعت نه، چرا که هنوز حادثه‌ای پیش نیامده تا شجاعت یا ترس تو در آن معلوم شود. اما سخاوت او، از یک سو مال را می‌گیرد و در جایی که نباید مصرف می‌کند. اما علم، پدرت علی بن ابی طالب هزار بنده آزاد کرد نام پنج تن از آنان را بگو، پیام آورنده رفت و بازگشت و گفت: می‌گوید تو صحفی هستی (علم را از صحیفه‌های پدرانت در می‌آوری). امام گفت: بدو بگو آری به خدا صحف ابراهیم و موسی و عیسی که از پدرانم به ارث برده‌ام. امام صادق در آغاز حکومت عباسیان سفری به عراق کرده و روزی چند را در حیره بسر برده است محدث قمی در منتهی الامال نوشته است این سفر در حکومت سفاح بوده است ولی از برخی سندها معلوم می‌شود او در خلافت منصور به عراق رفته است و منصور خود او را به عراق خواسته است. در این سفر بوده است که امام صادق را با ابوحنیفه ملاقاتی دست داده؟ و یا هنگامی که ابوحنیفه به مدینه رفته است. می‌توان گفت ملاقات او با آن حضرت یک بار نبوده و در عراق و حجاز با او دیدار کرده است. ابن شهر آشوب از حسن بن زیاد روایت کند از ابوحنیفه پرسیدند: فقیه‌ترین کس که دیده‌ای کیست؟ گفت: جعفر بن محمد، چون منصور او را خواست، پی من فرستاد و گفت: مردم فریفته جعفر بن محمد شده‌اند چند مسئله دشوار برای پرسشش از او آماده کن. من چهل مسئله فراهم کردم. منصور جعفر بن محمد را که در حیره به سر می‌برد به مجلس خود خواست. من نزد منصور رفتم و جعفر را دیدم بر دست راست او نشسته است هیبت او بیش از منصور بر دلم راه یافت منصور به من رخصت نشستن داد. پس گفت: این ابوحنیفه است! او را می‌شناسم. منصور گفت: مسائلی را که در خاطر داری به ابو عبدالله بگو. من یک‌یک را می‌گفتم و او پاسخ می‌داد که شما چنین می‌گوئید، مردم مدینه چنین می‌گویند و ما چنین می‌گوئیم در مسائلی گفته شما را می‌پذیرم و در مسائلی گفته آنان را، و گاه رأی ما مخالف شما و آنان است تا آنکه هر چهل مسئله را گفتم و او هیچ یک را بی‌پاسخ نگذاشت. سپس ابوحنیفه گفت: آیا دانایترین مردم دانایتر آنان به اختلاف (آراء) نیست؟ هنگامی که امام صادق در حیره به سر می‌برده است، مردم چنان در خانه او گرد می‌آمده‌اند که

ملاقات کننده را دیدار او دشوار بوده است. و چون خواست به مدینه باز گردد، عده‌ای اهل فضل از مردم کوفه، او را مشایعت کردند و در جمله مشایعت کنندگان سفیان ثوری بود. چنان که نوشته شد، شاگردان امام صادق را تا چهار هزار تن نوشته‌اند و مقصود کسانی است که در مدت افاضه امام به تناوب و تفریق از او علم فرا گرفته‌اند نه آنکه این چهار هزار تن همه روز در محضر او حاضر بوده‌اند. مؤلف کشف‌الغمه نویسد شماری از تابعین از او روایت کرده‌اند که از جمله آنان: یحیی بن سعید انصاری، ایوب سختیانی، ابان بن تغلب، ابو عمرو بن العلاء و یزید بن عبدالله است و از ائمه، مالک بن انس، شعبه بن الحجاج، سفیان ثوری، ابن جریج، عبدالله بن عمرو، روح بن قاسم، سفیان بن عیینه، سلیمان بن بلال، عبدالعزیز بن مختار، وهب بن خالد و ابراهیم بن طهمان‌اند که از او روایت دارند. یکی از کسانی که او را شاگرد امام صادق (ع) شمرده‌اند، جابر بن حیان کوفی است. درباره جابر سخنان گوناگون گفته‌اند و مطالب مختلف نوشته‌اند. ابن ندیم گوید: جماعتی از اهل علم و بزرگان و راقان گویند جابر حقیقت ندارد. و بعضی گفته‌اند او را تصنیفی نیست. گروهی گفته‌اند او از مردم کوفه بود و از اصحاب امام صادق بود و گفته‌اند از فیلسوفان بود و بعضی گفته‌اند وی به جعفر بن یحیی برمکی اختصاص داشت و آنجا که سیدی جعفر گوید مقصود جعفر برمکی است. اما شیعه گوید او شاگرد جعفر صادق (ع) بود. ابن خلکان در شرح حال امام صادق نویسد: شاگرد او ابو موسی جابر بن حیان صوفی طرسوسی است. کتابی در هزار ورق تالیف کرده و رساله‌های جعفر صادق (ع) را که پانصد رساله است در آن فراهم آورده. شاگردی جابر در محضر امام صادق در کتابهایی چون تاریخ‌الحکما، قفطی، قاموس‌الاعلام، روضات الجنات ریاض‌العلماء و دیگر کتابها آمده است. دایره‌المعارف اسلامی نیز بدان اشارت دارد. از مجموع آنچه درباره جابر نوشته‌اند می‌توان دریافت که او برخلاف گفته آنان که وی را شخصی افسانه‌ای شمرده‌اند، وجود داشته و در سده دوم هجری می‌زیسته. هر چند مجموع کتابهایی را که به وی نسبت داده‌اند نمی‌توان از آن او دانست، اما کتابهایی در کیمیا (شیمی) نوشته که به زبان لاتین ترجمه شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۰۲۲-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

